



انسان پرهیزکار و خدانشناس، خیری دارد که در انسان منحرف نیست و... و چون هر وجودی دارای آثاری است، آثار آن، تابع مرتبه کمال و خیر آن وجود می‌باشد، وجودی که در مرتبه عالی است قهراً از کمال و خیر عالی نیز برخوردار بوده و همچنین دارای آثار وجودی عالی خواهد بود، و کاملترین وجود در میان ممکنات، کاملترین و عالی‌ترین خیر را دارا است.

در اینجا شبهه‌ای است که لازم است آن را تذکر داده و پاسخ دهیم:  
شبهه: اگر وجود در هر مرتبه‌ای خیر است و شری به آن راه ندارد زیرا که شری عدم کمال است و عدم به ذات وجود که کمال است راه ندارد و اجتماع آن دو محال می‌باشد، پس شروری که از وجودهای امکانی صادر می‌شود از کجا است؟

پاسخ:

اولاً: ثابت و مسلم است که مفیض وجود به موجودات امکانی، خداوند متعال است که خیر محض است و از او جز خیر صادر نمی‌شود و او هر وجودی را به نیکوترین وجه آفریده است<sup>۱</sup> و خلقت هر موجودی را کامل گردانیده و آنها را در طریق محبت خویش برانگیخته است<sup>۲</sup> به طوری که تمام آنها تسبیح و حمد حضرت حق را می‌گویند،<sup>۳</sup> بنابراین هر موجودی فی نفسه خیر است و اگر شری مشاهده می‌شود ناشی از حد وجودی آن است که محروم از کمال بالا تر است، هر موجودی خیر محض نیست، خیر محض در کمال مطلق و وجود مطلق است، وجود بما هو وجود، خیر است اما خیر در همان مرتبه‌ای که هست، و اگر شری وجود دارد ناشی از نقص است که امری است عدمی.

ثانیاً: ما وقتی دو شیء را در رابطه با یکدیگر مقایسه می‌کنیم و یکی را نسبت به دیگری شری می‌بینیم، این از آن جهت است که سبب عدم کمال در دیگری شده است، مانند چاقویی را که با پوست لطیف دست، مقایسه می‌کنیم که سبب بریدن پوست می‌شود، چاقورا برای پوست شری می‌دانیم، در صورتی که بریدن برای چاقو کمال است، و چاقوی کند، دارای کمال لازم نیست.

بنابراین شری، یک امر اعتباری است که از مقایسه مابین دو شیء انتزاع می‌شود و

۱- سوره سجده آیه ۷.

۲- وبعثهم فی طریق محبته (دعای ازل صحیفه سجاده).

۳- یسبح له ما فی السموات وما فی الارض (سوره حشر آیه ۲۴).

حقیقتی ندارد، بنابراین وجود بماهو، خیر است، و اگر شری داشته باشد بما للغير می باشد.

صدر المتألهین در شرح اصول کافی در باب خیر و شر در ذیل روایت ... آنا لله<sup>۱</sup>  
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا خَلَقْتُ الْخَلْقَ وَخَلَقْتُ الْخَيْرَ<sup>۲</sup> ... بیان می دارند:

الشر الحقیقی غیر صادر و الصادر اما خیر محض و اما خیر یلزمه شر... فمن  
الممکنات ما هو برئی عن الشر والفساد كالعقول القادسة وضرب من الملائكة  
ومنه ما هو خیر كثير یلزمه شر قليل ومعلوم ان ترك خیر كثير لاجل شر قليل،  
شر كثير... الوجود بما هو وجود خیر محض، فهو مقدور مقضی بالذات.<sup>۳</sup>

سپس بیان می دارد که لطف و عنایت خداوند متعال نسبت به موجودات  
یکسان است و تفاوت در موجودات به جهت قرب و بُعدشان از حق اول است.  
و سپس گویند: ... فان الموجودات التي لا تقارن ولا تشتمل على امر بالقوة  
كالعقول الخالصة والذوات الطاهرة لا شر فيها اصلاً.<sup>۴</sup>

از مطالب مذکور نتیجه می گیریم که کاملترین موجود، بهترین وجود است  
که بهترین و نیکوترین آثار را دارد و ملاک کاملتر بودن یک موجود، اقرب بودن آن  
به مبدأ کمال است، و از آنجا که این موجود جهت قوه در آن نیست و فعلیت تام  
است، شری در او نخواهد بود، در قسمت اول این مقال به این مطلب پی بردیم که  
حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) اولین مخلوق و اقرب موجودات به خداوند متعال  
بوده و لذا کاملترین وجود در میان ممکنات است، و در این قسمت نتیجه می گیریم  
که او بهترین وجود و دارای عالی ترین آثار وجودی است که آثار هیچ موجود  
ممکنی در آن حده نیست.

اینک آیات و روایاتی چند را در این زمینه بیان می داریم:

۱- ص ۴۰۰-۴۰۱

۲- من خدایم و جز من معبودی نیست، خلق و خیر را آفریدم.

۳- شر حقیقی از خداوند متعال صادر نمی شود آنچه صادر می شود یا خیر محض است و یا خیری  
است که ملازم با شر می باشد... پس قسمی از ممکنات خالی از شر و فساد است مانند عقول مقدس و پاک و  
نوعی از فرشتگان و قسمی دیگر از ممکنات دارای خیر كثير و شر قليل است و روشن است که واگذارن خیر  
كثير به جهت شر قليل، خود شر است... وجود از آن جهت که وجود است خیر محض است و با لذات مورد  
تقدیر و قضاء الهی می باشد.

۴- موجوداتی که فعلیت تام دارند و جهت بالقوه ندارند مانند عقول خالصه و ذوات پاک  
هیچ شری در آنها نیست.

□ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): مَا بَرَأَ اللَّهُ نَسَمَةً خَيْرًا مِنْ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه

وآله).<sup>۱</sup>

□ ... عن حسين بن عبد الله قال: قلت لابي عبد الله (عليه السلام): كان رسول الله

(صلى الله عليه وآله) سيد ولد آدم؟ فقال: كان والله سيد من خلق الله: وما برأ الله برة خيراً  
من محمد (صلى الله عليه وآله).<sup>۲</sup>

□ مردی دیرنشین از نسل حواریین حضرت عیسی (علیه السلام) نزد امیر

المؤمنین (علیه السلام) آمده و ذکر کرد که در نزد او نوشته هایی است به خط پدرش و  
املاء حضرت عیسی (ع) و مطالب زیادی از آنها که در آن نوشته ها بود بیان کرد  
که از جمله راجع به حضرت محمد (ص) این بود:

لم يخلق الله ملكاً مقرباً ولا نبياً مرسلًا من آدم فمن سواه خيراً عند الله ولا احب

الى الله منه.<sup>۳</sup>

چگونه بهترین خلق نباشد در صورتی که نزدیکترین خلق به خداوند متعال

است.

□ امام صادق (ع) فرمودند: ... انه كان اقرب الخلق الى الله تبارك وتعالى.<sup>۴</sup>

روح نبی گرامی اسلام حضرت محمد (صلى الله عليه وآله) از آنجایی که اقرب

الخلق الى الله است، نیکوترین آثار را دارا است، اثر وجودی او، آفرینش جهان

مجردات و طبیعت است، اثر وجودی او مقام گرفتن در قَابِ قَوْسَيْنِ اَوْ اَدْنَى است،

مقامی که جبرئیل و هر ملکی دیگر از رفتن بدانجا بازماند و هیچ رسول و پیامبری

به آنجا راه نیافت و این گفته جبرئیل امین بود که به حق آن خداوندی که ترا به

راستی فرستاده است، این مکانی که توطی کردی پای هیچ پیغمبر مرسل و ملک مقربى به

این مکان نرسیده است و مرا یارای آن نیست که از این بالا تر بیایم و تورا به

۱- (کافی ج ۱ ص ۴۴۰ روایت ۱ و ۲). امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: خداوند مخلوقی بهتر

از حضرت محمد (صلى الله عليه وآله) نیافرید.

۲- حسین بن عبدالله از امام جعفر صادق (علیه السلام) سؤال کرد آیا رسول گرامی اسلام (صلى الله

عليه وآله) آقای فرزندان آدم است؟ حضرت فرمودند: به خدا سوگند او آقای هر مخلوقی است و خداوند مخلوقی

برتر از محمد (صلى الله عليه وآله) نیافریده است. (کافی ج ۱ ص ۴۴۰ روایت ۱ و ۲).

۳- خداوند فرشته ای مقرب و پیامبری مرسل از آدم و غیر آدم نیافریده است (که بهتر و دوستدارتر از

حضرت محمد (ص) در نزد خدا باشد. (اثبات الهداة ج ۱ ص ۳۸۳ - ۳۸۴ روایت ۱۱۲).

۴- او نزدیک ترین خلق به خداوند تبارک و تعالی بود (بحار ج ۱۵ روایت ۲۰).

رب العزت می‌سپارم.<sup>۱</sup>

□ به سند معتبر از حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) این چنین رسیده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: در شب معراج به درختی رسیدم که مثل آن درخت در عظمت و بهجت ندیده بودم و بر هر شاخ و برگ آن و بر هر میوه آن ملکی بوده و نوری از انوار خداوند عالم آن درخت را احاطه کرده بود، جبرئیل گفت: این درخت سدره المنتهی است که پیامبران پیش از تو نتوانستند از این مقام تجاوز کنند و حق تعالی به مشیت خود، تو را از این مقام خواهد گذرانید تا به تو آیات بزرگ خود را بنماید، پس مطمئن باش به تأیید الهی و ثابت قدم باش تا کامل گردد برای تو کرامتها و برسی به جوار قرب حق تعالی...<sup>۲</sup> و از جمله اثر وجودی او همین بس که پس از بازگشت از معراج، نمازهای پنجگانه یومیّه را برای امتش از جانب خداوند متان هدیه آورد و آنها را فریضه قرار داد تا آن که صلاة، معراج مؤمن گشت.<sup>۳</sup>

و از آثار وجودی او قرآنی است که بر او نازل شده است که شامل همه حقایق است، حقایقی که انسان ساز است و انسانیت را در انسان به ظهور می‌رساند، قرآن که شکست ناپذیر است و هیچگاه کهنه نمی‌شود و باطل به آن راه ندارد، کتابی که در هر زمانی تحدی می‌کند و مبارز می‌طلبد:

فَأْتُوا بَسُورَةَ مِنْ مِثْلِهِ<sup>۴</sup>

قُلْ لَئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ  
وَلَوْ كَانَتْ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا<sup>۵</sup>

فصاحت و بلاغت قرآن و نیز معانی آن در حدی از عظمت است که هیچ انسان تعلیم دیده و با سوادی نمی‌تواند مثل آن را بیاورد (انسان بی‌سواد که خروج تخصصی دارد) و اگر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) چنین کتابی را از جانب

۱ و ۲ - کتاب انوار جلیسه ملا عبدالله مدرس زنسوزی ص ۲۶۲-۲۶۶، بحارج ۱۸ ص ۳۰۶

روایت ۱۲

۳ - بحارج ۱۸ ص ۳۴۷ روایت ۵۸

۴ - سوره بقره آیه ۲۳

۵ - بگوای پیامبر (ص) اگر انس و جن جمع شوند (و متفق گردند) بر این که مثل این قرآن بیاورند

هرگز نتوانند، هر چند که برخی پشتیبان برخی دیگر باشند. - سوره اسراء آیه ۸۸

پروردگار می آوزد بستگی به اثر وجودی او داشته و محال است دیگران بتوانند مانند آن بیاورند، زیرا که هر موجودی اثر خاص خودش را دارا است و قدرت دارد، اثر وجودی خودش یا موجود پائین تر از خود را ظاهر سازد ولی توانایی آن را ندارد که اثر موجود بالاتر را ظاهر نماید، حیوان اثر نبات را که رشد و نمو باشد دارد و اثر وجودی خودش که همان احساس کردن و ظهور غرائز باشد در او هست اما نمی تواند به ظهور رساننده اثر وجودی انسان باشد، تعقل کند و مسائلی را کشف نماید و آنها را با الفاظ زیبا در یک کتاب بگنجانند و نیز انسانی که قوای انسانی را به فعلیت نرسانده نمی تواند اثر وجودی انسانی را داشته باشد که کسب انسانیت کرده است، قریبی را که پیامبر عظیم الشان اسلام به خداوند متعال دارد، دیگران ندارند و لذا از کمال یک انسان الهی که او برخوردار است دیگران برخوردار نیستند، بر این اساس اثر وجودی او را نخواهند داشت، علم و دانش او مافوق آن چیزی است که انبیاء و رسولان الهی می دانسته اند.

عن ابی جعفر (علیه السلام) قال: سئل علی (علیه السلام) عن علم النبی (صلی الله علیه وآله) فقال: علم النبی (صلی الله علیه وآله) علم جمیع النبیین و علم ما کان و علم ما هو کائن الی قیام ساعة<sup>۱</sup>.

و در روایات مختلف بیان شده است که نبی گرامی اسلام (ص) علمی به او اعطاء شده است که به دیگر انبیاء اعطاء نشده.<sup>۲</sup>

بنابراین علت این که دیگران قادر به آوردن مثل قرآن نیستند، بدان جهت است که قرآن اثر خاصی است از وجودی خاص که اکمل، اقرب، اعلم و خیر الوجود در میان ممکنات است.

اثر وجودی او این است که رحمت برای جهانیان می باشد:

وما ارسلناک الا رحمةً للعالمین ای انک رحمةً مرسله الی الجماعات الشریبه کلهم<sup>۳</sup>.

والدلیل علیه الجمع المحلی باللام - وذلک مفضی عموم الرسالة...<sup>۳</sup>  
بقیه در صفحه ۱۲۸

۱- امام باقر (علیه السلام) فرمودند: از علی (علیه السلام) درباره علم پیامبر (صلی الله علیه وآله) سؤال شد آن حضرت فرمودند: علم پیامبر (ص) علم جمیع پیامبران و علم ما کان است، و علم آنچه تا قیامت موجود و حادث می شود (بحار ج ۱۷ ص ۱۴۴ روایت ۴۱).

۲- ما اعطی الله نبیاً شیئاً قط الا وقد اعطی محمداً (ص) واعطاء ما لم یکن عندهم، بحار ج ۱۷ ص ۱۳۶ روایت ۱۸.

۳- به حقیقت تو پیامبر رحمت هستی که به سوی همه مردم و اجتماعات بشری فرستاده شده ای و

آن همه معجزات فعلی که در کتب روایی ذکر شده از آثار وجودی او است، آثار وجودی او از حیث کثرت قابل شمارش نیست، عقل، توان درک و زبان، استطاعت بیان و قلم، قدرت نگاشتن آنها را ندارند، این مقال را با ذکر دو حدیث که برای امتش در حیات و ممات خیر است و هر خیری در جهان به واسطه وجود او است، به پایان می‌بریم.

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) حياتي خير لكم وموتى خير لكم اقا حياتي فتحد ثونى واحداً لكم و اقا موتى فتعرض على اعمالكم عشية الاثنين والخميسين، فما كان من عمل صالح حمدت الله عليه وما كان من عمل سيئ استغفرت الله لكم<sup>۲</sup>  
وعن جابر بن عبد الله قال: قلت لرسول الله (ص): اول شئى خلق الله ماهو؟ فقال: نور نبيك يا جابر، خلقه الله ثم خلق منه كل خير.<sup>۳</sup>

دلیل بر این مطلب «للمالین» است صیغه جمع با الف و لام آمده است، و این رسالت عاقه را اقتضای می‌کند، (المیزان ج ۱۴ ص ۳۶۳ سوره انبیاء آیه ۱۰۷).

۲- رسول گرامی اسلام (ص) فرمودند: زندگی و مرگ من برای شما خیر است اما (این که) زندگی (برای شما خیر است) پس با یکدیگر گفتگو می‌کنیم (واحدیث من برای شما پند و اندرز است) و اما (این که) مرگ (برای شما خیر است) چون اعمال شما در شب دوشنبه و پنجشنبه بر من عرضه می‌شود، خدا را بر عمل صالح از اعمال عرضه شده ستایش می‌کنم و برای شما از عمل بد (که مرتکب شده‌اید) از خداوند طلب آموزش می‌نمایم، (بخارج ۱۷ ص ۱۴۹ روایت ۴۵).

۳- از جابر بن عبد الله است که گفت: از رسول خدا (صلى الله عليه وآله) سؤال کردم: اول مخلوق خدا چه بود؟ حضرت فرمودند: نور پیامبر تو، خداوند آن را آفرید سپس آن را سبب هر خیر قرار داد (بخارج ۱۵ ص ۲۴ روایت ۴۳).

در مکتب کنش گرائی و یا تحلیل روانی و یا بعضی مکاتب دیگر، و بالاخره در نهایت ذهنیتی را به روانشناسی القاء می‌کند که انسان همان حیوان است که در اثر تکامل با محیط به این مرحله رسیده است، و گاه روانشناس خیال می‌کند که قوانینی که رفتارهای بعضی حیوانات را تبیین می‌کند، می‌تواند

قانونمندی رفتارهای انسان را نیز تبیین کند، البته بطور مسلم قوانین روانشناختی مشترک بین انسان و حیوان وجود دارد، ولیکن کلیت آن، محل بحث و تردید بلکه منع است. این بود پاره‌ای از کمبودهای روانشناسی موجود، که بحث درباره یکایک آنها و یا کمبودهای دیگر آن در این مقال نمی‌گنجد.